

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### نتیجه گیری از کلام مرحوم شیخ درنقل کلام اخباری ها

به اخباری ها نسبت داد شده بود که اخباری ها قطع حاصل از عقل را نمی پذیرند و تصریح دارند قطع باید از مقدمات نقلی حاصل شود. کلمات سه تن اخباری ها را بررسی کردیم و معلوم شد این نسبت تمام نیست. به نظر ما اخباری ها هیچ تفصیلی در قطع نمی دهند. بلکه ممکن است توصیه کنند از فلان طریق نروید ولی هرگز نگفته اند که اگر از راه عقل قاطع شدید که هذا حکم الله می توانید مخالفت کنید و اگر مخالفت کردید و خلاف در آمد معذورید. به نظر ما نظر اخباری ها همان نظر شیخ انصاری است که ایشان عقل را بعنوان یکی از اسناد می پذیرد و هر جا مجال باشد از عقل هم صحبت می کند کما این که در مکاسب برخی مواقع می فرماید يدل عليه ادله الاربعه که این یعنی یکی از ادله عقل است. با این حال در ص 10 رسائل تصریح می کند انسان نباید با عقل خویش دنبال مناظرات شرعی برود. بعبارت دیگر ایشان می فرماید: انسان جدای از آیه و روایت و اجماع بخواهد با رکون به عقل به حکم شرعی برسد صحیح نمی باشد؛ چون حوزه حوزة دآوری عقل نیست. مثل این که انسان بخواهد با عقل خود به یک مسأله تجربی یا تاریخی برسد، این درست نیست. این که در منطق می خوانیم: الجزئی لا یکون کاسبا و لا مکتسبا؛ یعنی از طریق عقل نمی توان جزئیات را فهمید. ما تا 10 روز هم بنشینیم با عقل خود بفهمیم نام همسایه مان چیست تا نرویم و بررسی متوجه نمی شویم و عقل در این موارد دآوری نمی کند؛ همین طور در ملاکات احکام این که چرا نماز صبح دو رکعت است و... با عقل خود درک نمی کنیم. اخباری ها هم مثل مرحوم شیخ همین مطلب را می گویند.

برای تأیید این مطلب دو کلام از مرحوم شیخ و مرحوم بحرانی را مقایسه می کنیم:

#### عبارت مرحوم شیخ انصاری

الإِنصاف أن الركون إلى العقل فيما يتعلّق بأدراك مناطات الأحكام لينتقل منها إلى إدراك نفس الأحكام موجب للوقوع في الخطأ كثيراً في نفس الأمر وإن لم يحتمل ذلك عند المدرك  
انصاف این است که اگر انسان در فهم ملاکات به عقل اعتماد کند تا به فهم احکام برسد این موجب وقوع درخطا در فهم واقع می شود. بعبارت دیگر ملاکات مورد نظر شارع را نمی فهمد تا بخواهد حکم شارع را بفهمد.

#### عبارت مرحوم بحرانی

لا ريب ان الأحكام الفقهية من عبادات و غيرها كلها توقيفية... و ما ذاك -توقيفي بودن- إلا لقصور العقل المذكور-عقلی که بخواهد در حوزه احکام وارد شود- عن الاطلاع على اغوارها- بطون احکام- و احجامه عن التلجج في لجج بحاره- ممنوع شده از این که وارد شود در امواج دریای احکام- الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة؛ ج 1، ص: 131  
خلاصه می فرماید: عقل بخواهد ملاکات احکام را بفهمد تا بر اساس آن ملاکات احکام را بفهمد کار عقل نیست. با مقایسه این دو کلام متوجه می فهمیم این دو کلام فرقی ندارد.

نکته: پس در انتساب مطلبی به نحله ها و فرقه ها به کلمات خودشان مراجعه کنید. کما این که ما به کلام اخباری ها مراجعه کردیم، البته ممکن است از یک اخباری در اثر تصور ناصحیح او این مطلب نقل شده باشد که قطع حاصل از مقدمات عقلیه حجت نیست و قطع حاصل از نقل حجت است- کما این که مرحوم فیروز آبادی یک کلامی را به سید صدر نسبت می دهد که ظاهر آن کلام تفصیل بین قطع حاصل از مقدمات عقلی و نقلی می باشد البته اگر مرحوم فیروز آبادی عبارت سید را گزینش

نکرده باشد که من احتمال گزینش را می‌دهم که دیگر بدر نمی‌خورد چون مرحوم آخوند از سید صدر نقل می‌کند و می‌فرماید: سید صدر منع ملازمه را قائل بوده است نه تفصیل در قطع- ولی این دلیل نمی‌شود به اخباری‌ها نسبت دهیم. مرحوم شیخ می‌گوید اخباری‌ها تفصیل داده‌اند در حالی که دیدیم سران آنها این مطلب را نمی‌گویند. مثل این که قانون ملازمه را اصولی‌ها قبول دارند ولی صاحب فصول در اثر تصور ناصحیح این قاعده را منع کرده است ولی این دلیل نمی‌شود بگوئیم اصولی‌ها قاعده ملازمه را قبول ندارند.

پس کلام اخباری‌ها از این جهت اعتبار دارد که ما در حوزه دین اعم از معارف- اعتقادات- و شریعت- باید‌ها و نبایدها- و اخلاق بررسی شود که از عقل چقدر می‌توان بهره برد. بحثی که آن‌طور تا بحال نشده است بلکه در فقه کتبی مثل فقه و عقل را داریم ولی در معارف و اخلاق جای این مطلب خالی است. در طول تاریخ فلسفه محل بحث بوده است برخی معتقد بودند هر کس فلسفه نداند هیچ نمی‌داند از آن طرف برخی فلاسفه را تکفیر و تفسیق دادند و حتی حکم به اعدام فلاسفه می‌دادند مثل سهرودی که توسط اهل تسنن به علت فلسفه اعدام شد. خود این انگیزه مخالفت با فلسفه عللی دارد: 1. روایاتی است که وجود دارد. 2. بحث‌های فلسفی را بی‌فائده می‌دانستند 3. عمده‌ترین دلیل را این می‌دانستند که حوزه مباحثی که فلسفه وارد می‌شود حوزه درک عقل نیست. شما می‌خواهید با فلسفه وارد ذات خدا شود و از ذات خدا وارد صفات خدا شود درحالی که الهیات حوزه منظومه همین است که می‌خواهد با عقل وارد ذات خدا شود و از ذات خدا وارد صفات خدا شود درحالی که الهیات حوزه عقل نمی‌باشد و هر چه هم بیشتر وارد می‌شود بیشتر به گمراهی کشیده می‌شود یعنی همان حرف اخباری‌ها که این حوزه حوزه ای نیست که با عقل وارد شویم.

به نظر ما باید بدون موضع‌گیری و بدون احساس و تعصب گزینشی بررسی کرد که اخبار چه می‌گویند- البته اگر بگوئیم روایات در این زمینه‌ها حجت است- بعد سراغ روایاتی رفت که از تفکر در ذات خدا منع می‌کند. در این زمینه می‌توان به کتاب توحید صدوق یا کتاب مرحوم مجلسی بنام اعتقادات مجلسی مراجعه کرد و روایاتش را دید، البته روایاتش را باید دید نه برداشت‌های مرحوم مجلسی چون مرحوم مجلسی به شدت با فلسفه مخالفند.

البته توجه به این نکته لازم است که افرادی مثل مرحوم مجلسی و فیض کاشانی و مرحوم شیخ صدوق محدثان اخباری و فرق اخباری‌ها با محدث‌ها این است که اخباری‌ها علم اصول را قبول نداشتند و نظام اجتهاد و تقلید را رد می‌کردند و می‌گفتند همه باید مجتهد باشند برخلاف محدث‌ها البته وجه اشتراکشان این است که هر دو دسته اعتماد بر اخبار داشتند و حتی نقل را بر عقل مقدم می‌کردند در برخی کتاب‌ها نوشته‌اند اخباری‌ها دو دوره روی کار آمده‌اند 1. قرن 3 و 4 که مرحوم شیخ صدوق و ابن قولویه است و 2 قرن 11 و 12 که به نظر ما این خلط بین اخباری‌ها و محدث‌ها می‌باشد. در این زمینه کتاب فقه و فقهاء از آقای گرجی را ببینید.

### نقد و بررسی کلمات اخباری‌ها

به جز مرحوم شیخ و مرحوم آخوند دو سه نفر دیگر کلمات اخباری‌ها را نقد کرده‌اند.

### کلام مرحوم مطهری و نقل کلام مرحوم بروجردی توسط ایشان

مرحوم مطهری علاقه‌ای به اخباری‌ها ندارد و بیش از ضرورت به اخباری‌ها حمله می‌کند و کلماتشان را نقد می‌کند. از جمله این که کلام استرآبادی را هم که نقد می‌کند می‌گوید: در یک زمانی در جایی خدمت آقای بروجردی بودم که ایشان کلمات اخباری‌ها را نقل کرد و از دستشان ناراحت بودند و فرمودند ظاهراً فکر استرآبادی از جریان تجربه گرائی غرب متأثر بوده است که می‌گفتند معرفت عقلی و غیر حسی مردود است و فقط تجربه به ما معرفت می‌دهد و شاهد هم می‌آورد که اخباری‌ها در قرن یازدهم در دوران صفویه زندگی می‌کردند و صفویه با اروپا مراوداتی داشته‌اند و افکار غربی‌ها با این مراودات وارد ایران شد و اخباری‌ها را تحت تأثیر قرار داد و لذا اخباری‌ها راهی را می‌رفتند که غربی‌ها می‌رفتند و منکر درک عقل و قطع عقلی شدند و گفتند تنها راه‌هایی تمسک به نصوص است. حال اولاً باید از لحاظ تاریخی این مطلب بررسی شود و ثانیاً ببینیم فرقی بین کلام اخباری‌ها با کلام غربی‌های تجربه‌گرا وجود دارد یا نه.

الحمد لله رب العالمین